

بسمه تعالی

درس یازدهم جغرافیا ۲ - ژئوپلیتیک

تهیه کننده: زاهدین ساکی

ژئوپلیتیک

- ❖ این اصطلاح جغرافیایی در اخبار و موضوعات سیاسی، روابط سیاسی و بین المللی، مذاکرات یا رقابت ها و کشمکش های سیاسی، زیاد به کار برده می شود.
- ❖ ژئو (مخفف ژئوگرافی) به معنای جغرافیا و پلیتیک به معنای سیاست ترکیب شده است و بنابراین برخی آن را معادل سیاست جغرافیایی میدانند که البته مورد قبول همگان نیست.

تعریف شاخه ای از دانش جغرافیای سیاسی است که با موضوع قدرت و ارتباط آن با جغرافیا و سیاست سروکار دارد و روابط متقابل سه عنصر قدرت، سیاست و جغرافیا را مطالعه می کند.

مدل زیر از موضوع ژئوپلیتیک، توسط یک جغرافیدان سیاسی ایرانی وضع شده است که عنصر قدرت به رابطه متقابل جغرافیا و سیاست اضافه شده است زیرا **جوهره ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل میدهد.**



قدرت

- ❖ معنی در فرهنگ فارسی: داشتن توانایی، توان و استعداد انسان برای انجام دادن کاری که مطلوب اوست.
- ❖ مترادف: نفوذ، اقتدار، حکم، فرمان، توانایی و دستور
- ❖ در مباحث اجتماعی و سیاسی با تعبیری چون کنترل دیگران با نفوذ داشتن روی آنها، سلطه و توانایی مجبور کردن دیگران به فرمانبرداری به کار رفته است.
- ❖ برخی معتقدند قدرت طلبی و تمایل به قدرت از تمایلات طبیعی بشر است.

- ❖ افراد و گروه‌ها برای تحقق اهداف خود به قدرت نیاز دارند.
- ❖ انواع قدرت بر حسب شرایط و اهداف: قدرت جسمانی، قدرت علمی، قدرت اقتصادی، قدرت هنری و قدرت سیاسی

رابطه قدرت و سیاست

- ❖ **تعریف سیاست:** علم اداره یک کشور یا حکومت داری.
- ❖ **بازیگران سیاسی:** سیاستمداران، حکومتها، نهادها و سازمانهای بین‌المللی در پی کسب قدرت هستند تا از آن برای تحقق اهداف، آرمان‌ها و خواسته‌های خود بهره‌برند که این افراد و گروه‌ها بازیگران سیاسی نام دارند.

بازیگران سیاسی اصلی و عمده جهان

- ۱- حکومت‌های مستقل
- ۲- رهبران ایدئولوژیک و افراد برجسته سیاسی که روی مردم نفوذ دارند
- ۳- گروه‌ها و احزاب سیاسی
- ۴- سازمانهای مردم‌نهاد و غیرحکومتی (من NGO) مثل انجمن فعالان حقوق بشر، محیط زیست و صلح
- ۵- سازمانهای بین‌المللی (مانند سازمان ملل متحد)
- ۶- نهادهای اقتصادی و تجاری بین‌المللی (مانند شرکت‌های چند ملیتی)

- ❖ بازیگران سیاسی با کسب قدرت می‌توانند - به اهداف خود برسند - مطابق میل یا نظام فکری خود فرمان برانند - منافع خود و هوادارانشان را تأمین نمایند - رقیبان خویش را از صحنه بیرون کنند.
- ❖ حکومت‌ها با به‌کارگیری قدرت در داخل کشور امنیت و نظم اجتماعی را برقرار میکنند. در خارج از کشور اهداف خود را پیش می‌برند.
- ❖ حکومت‌ها می‌توانند از قدرت برای تحقق اهدافی چون تأمین استقلال و منافع و امنیت ملی کشور بهره‌برند.
- ❖ همچنین می‌توانند با به‌کارگیری آن علیه ملت خود و استفاده از ابزارهای قدرت (مانند ارتش، پلیس، دستگاه قضایی و اطلاعاتی) به آزار مردم پردازند و از قدرتشان برای حفظ بقا و سلطه خود استفاده کنند.

رابطه قدرت و جغرافیا

صاحب‌نظران ژئوپلیتیک عقیده دارند که عواملی مانند موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و داشتن منابع زیرزمینی و جمعیت می‌تواند

- ❖ ۱- کارکرد مثبت داشته باشد و موجب قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی یک کشور شود.
- ❖ ۲- کارکرد منفی داشته باشد و تضعیف قدرت را به همراه داشته باشد. قدرت و نظریه‌های ژئوپلیتیکی

قدرت و نظری های ژئوپلیتیکی

۱ - نظریه فضای حیاتی

❖ توسط راتزل (پدر علم جغرافیای سیاسی در قرن ۱۹م. مطرح شد.

❖ عقیده را تزل:

اگر کشورهای کوچک فضای کافی برای جمعیت خود نداشته باشند و سرزمین های خود را توسعه ندهند، نابود خواهند شد.

او اهمیت زیادی برای عامل موقعیت جغرافیایی قائل بود و عقیده داشت موقعیت یک کشور در مجاورت یک دولت قوی یا ضعیف بر سیاست و قدرت آن اثر دارد.

❖ نتیجه گیری راتزل: در کشمکش برای قدرت، دولت های بزرگ پیروز شده و کشورهای کوچک را ضمیمه خاک خود می کنند.

❖ در قرن بیستم با توسعه حقوق و قوانین بین المللی، دیگر کشورگشایی و تصرف سرزمین های دیگر محکوم شمرده می شود؛ هر چند امروزه معدودی از کشورها این حقوق را نادیده می گیرند.

❖ مثال حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق در سال های ۱۳۶۹ و ۱۳۸۰ و اشغال این کشورها با حمله عراق به کویت در سال ۱۳۶۹

بعضی اندیشمندان در مورد ارتباط میان عوامل جغرافیایی با سیاست و قدرت، به عوامل جغرافیایی دیگری مانند قدرت خشکی (بڑی)، قدرت دریایی، قدرت هوایی و ... نظر داشته اند. از جمله آنها **مکیندر** است که قدرت خشکی را عاملی مهم در نائل شدن کشورها به قدرت می دانست.

۲ - نظریه هارتلند یا قدرت خشکی

❖ در سال ۱۹۰۴ میلادی مکیندر (جغرافیدان انگلیسی) در مقاله ای با موضوع تولید قدرت به خشکیها توجه کرد.

❖ عقیده مکیندر بخش عمده خشکیهای جهان، سه قاره به هم چسبیده آسیا، اروپا و آفریقا است و جزیره جهانی نام دارد. در این جزیره جهانی، منطقه خشکی **اوراسیا (از رود ولگا در غرب تا سیبری در شرق) دژ و قلعه جهان** است و

این منطقه برای قدرت های دریایی غیرقابل دسترس است. بخش مرکزی این منطقه را محور یا قلب خشکی **جهان (هارتلند Heartland) نامید** و عقیده داشت این منطقه یعنی شرق اروپا، منبع بزرگ قدرت بوده و هر کس بر منابع آن تسلط پیدا کند، می تواند به همه جزیره جهانی و جهان فرمانروایی کند.

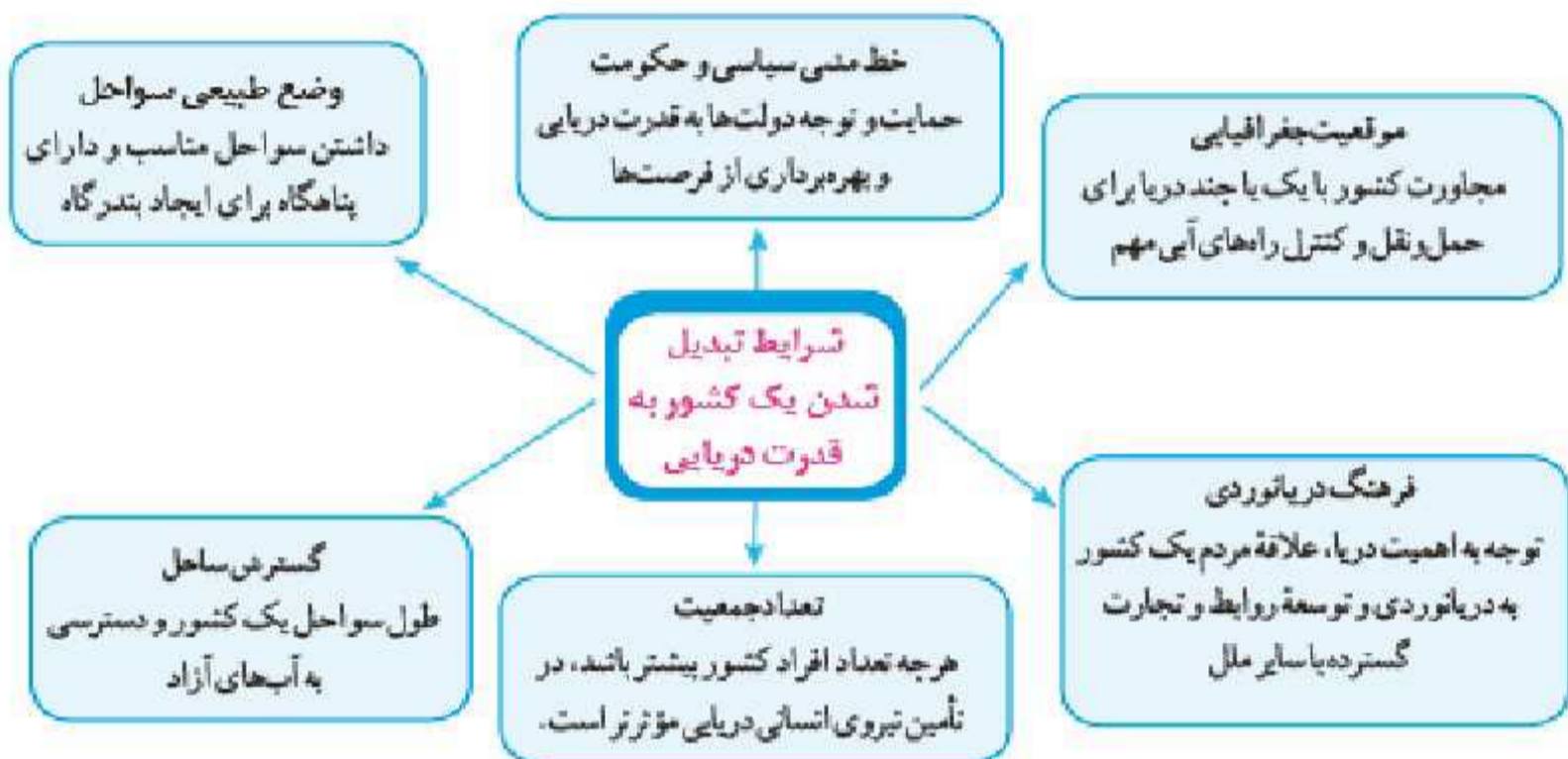
❖ نکته به اعتقاد بعضی، این نظریه در سیاست های جنگ طلبانه آلمان، هجوم این کشور به کشورهای مجاور و بروز جنگهای جهانی اول و دوم مؤثر بوده است.



۳- نظریه قدرت دریایی

- ❖ توسط دریاسالار **آلفرد ماهان** مطرح شد.
 - ❖ **عقیده ماهان**: فضاهای دریایی و اقیانوسی در شکل گیری قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت خشکی اثرگذار است. او قدرت دریایی را فقط در نیروی جنگی ناوگان دریایی نمی دانست و معتقد بود ملتی به قدرت می رسد که در تجارت دریایی نیز نیرومند باشد.
 - ❖ او در کتاب خود نشان داد که چگونه انگلستان به دلیل برخورداری از قدرت دریایی بر رقیبان مسلط شد.
- کتاب معروف او «**نفوذ و تأثیر قدرت دریایی در تاریخ**» به زبانهای مختلف ترجمه شده و مورد استقبال دیگر کشورها قرار گرفته است؛ به طوری که در ژاپن به ناخدایان نیروی دریایی یک جلد از کتاب او هدیه می شد تا از رهنمودهای او استفاده کنند.

شش شرط پیشنهادی آلفرد ماهان برای تبدیل شدن یک کشور به قدرت دریایی



ایران و قدرت دریایی

ایران از شمال و جنوب به دریا دسترسی دارد. در سواحل جنوبی بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی دارد.

آب های موجود در جنوب ایران به دو بخش تقسیم می شود

الف- خلیج فارس: از مصب اروندرود در غرب تا تنگه هرمز امتداد می یابد.

ب - دریای مکران (عمان): از تنگه هرمز به سمت شرق تا دهانه خلیج گواتر (گوادر) امتداد می یابد.

نیروی دریایی راهبردی

به نیرویی گفته می شود که قادر است و در محدوده آبهای عمیق اقیانوسی عملیات انجام دهد به طوری که بتواند خود را از تهدیدهای روی آب، زیر آب و هوا حفظ کند محدودیتی برای اجرای عملیات در عمق دور دستها نداشته باشد بتواند از منافع ملی کشور در منطقه دریایی محافظت کند.

- ❖ در سال ۱۳۸۸ با رهنمودهای رهبر (فرمانده معظم کل قوا) نیروی دریایی ارتش به یک نیروی دریایی راهبردی تغییر جهت داد.
- ❖ منطقه عملیاتی نیروی دریایی: از تنگه هرمز و دریای عمان تا خلیج عدن و اقیانوس هند تا مدار ۱۰ درجه شمالی
- ❖ اقدامات ایران برای تبدیل شدن به قدرت بزرگ دریایی: ۱ ساختن زیردریایی ها و ناوشکن های چند منظوره F
- ❖ حضور ناوگان ایران در آبهای اقیانوس هند برای حفاظت از امنیت کشتی ها و شناورهای تجاری و نفت کش ها
- ❖ اهمیت بندرهای جاسک و چابهار (در سواحل دریای عمان): به دلیل دسترسی به آبهای آزاد، دارای قابلیت بالایی برای تجارت با جهان و توسعه حمل و نقل دریایی ایران و کشورهای آسیای میانه و قفقاز هستند.
- ❖ بندر شهید رجایی در نزدیکی تنگه هرمز بیش از نیمی از صادرات و واردات کشور را عهده دار است.

قدرت ملی

تعریف: قدرت یک ملت یا کشور برای تحقق اهداف و آرمان هایش است

- ❖ برخی کشورها در سطح جهان قدرت زیادی داشته و برخی دیگر بسیار ضعیف هستند.
- ❖ اگر قدرت ملی کشوری زیاد باشد، می تواند اهداف و خواسته های ملت خود را بدون مانع تأمین کند.
- ❖ روابط بین المللی و رفتار کشورها با هم نیز از میزان قدرت آنها تأثیر می پذیرد.
- ❖ عوامل و سرچشمه های قدرت ملی: ۱- عوامل جغرافیایی ۲- عوامل فرهنگی ۳- عوامل سیاسی ۴- عوامل علمی و فناورانه ۵- عوامل اقتصادی ۶- عوامل اجتماعی ۷- عوامل نظامی ۸- عوامل فضایی ۹- عوامل بین المللی (فرامرزی)
- ❖ در میان عوامل قدرت ملی، عامل جغرافیایی به عنوان مهم ترین عامل در تولید قدرت ملی به شمار می رود؛

نقش عوامل جغرافیایی در قدرت ملی

عوامل جغرافیایی مؤثر در قدرت ملی

۱- موقعیت جغرافیایی کشور

تعریف موقعیت جغرافیایی (ریاضی و نسبی): چگونگی قرار گرفتن یک مکان در سطح کره زمین

- ❖ این عامل در افزایش یا کاهش قدرت کشور بسیار اثرگذار است یعنی قرار گرفتن یک کشور در میان همسایگان قدرتمند یا ضعیف در سیاست خارجی آن مؤثر است.
- ❖ **کشور حائل:** کشوری که بین دو یا چند قدرت بزرگ قرار دارد و معمولاً موقعیت آسیب پذیری پیدا می کند. مثال لهستان بین روسیه و آلمان قرار دارد و در دوره هایی از تاریخ به دلیل همین موقعیت، موجودیت خود را از دست داده است.

تعریف موقعیت دریایی: میزان دسترسی به آبهای آزاد جهان و موقعیت دریایی نیز نقش مهمی در قدرت ملی دارد

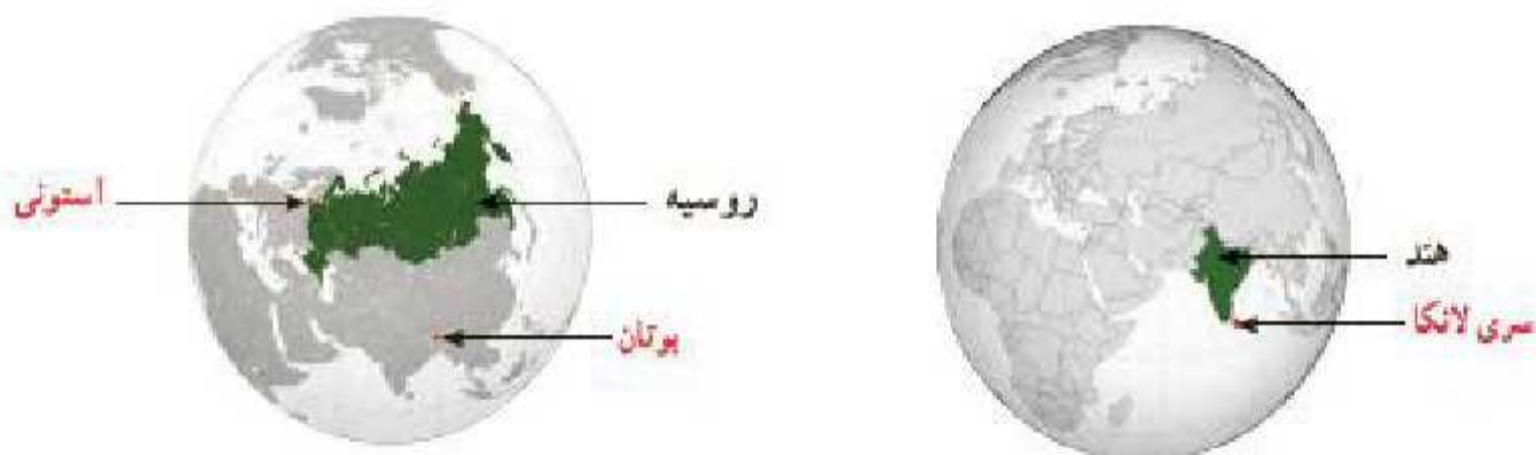
- ❖ دسترسی به آبهای آزاد یا عدم دسترسی به دریا در قدرت یا ضعف یک کشور اثرگذار است.

❖ مثال انگلستان و ژاپن توانستند به قدرت های بزرگ دریایی تبدیل شوند؛ زیرا از همه جهت به آبهای آزاد دسترسی داشتند.

۲- وسعت، شکل و ناهمواری های کشور

الف- وسعت

- ❖ وسعت زیاد به خودی خود امری مطلوب است و از میان دو کشور با شرایط یکسان، کشوری که سرزمین وسیع تری دارد، قدرتمندتر است.
- ❖ کشورهای کوچک به سبب کمبود فضا، برای فعالیتهای خود با مشکل مواجه اند.
- ❖ در کشورهای وسیع میتوان در زمان جنگ نیروهای نظامی پشتیبان را به بخش دیگری انتقال داد مثال در جنگ چین و ژاپن، چین نیروها و تدارکاتش را به غرب کشور منتقل کرد
- ❖ وسعت زیاد اگر با کمبود جمعیت همراه باشد، دفاع از کشور را دچار مشکل می کند.



ب- ناهمواری

- ❖ کیفیت فضای سرزمین و نوع ناهمواری ها در قدرت ملی اثرگذار است.
- ❖ سرزمینهای هموار جهت کشاورزی و توسعه شبکه راهها و حمل و نقل مساعد هستند.
- ❖ نواحی کوهستانی، بیابان های پهناور، زمین های کویری و باتلاقی جهت فعالیت های اقتصادی و ارتباطی پرهزینه هستند با این وجود که کوهستانها نقش مثبتی در امر دفاعی دارند).

پ- شکل سرزمین

| مثال | ویژگی | شکل |
|-----------------|---|---------------------|
| لهستان، ایران | شکلی شبیه مربع یا دایره | جمع و جور (فشرده) |
| نروژ، شیلی | طول آنها حداقل شش برابر عرضشان است | طویل |
| تایلند | یک بخش شبه جزیره ای یا دالان مانند دارند که از سرزمین اصلی جدا افتاده است | دنباله دار |
| اندونزی | کشورهای جزیره ای | چند پاره یا چند تکه |
| لسوتو، سوازیلند | درون یک کشور دیگر محصور شده اند | محاطی |

- ❖ شکل فشردده بهترین شکل برای یک کشور است که پایتخت در مرکز آن است زیرا در این حالت در کمترین زمان امکان دسترسی به تمام نقاط کشور از مرکز وجود دارد و قابلیت دفاعی بالایی نیز دارد.
- ❖ در کشورهای طویل و چند تکه، نظارت حکومت بر قسمتهای مختلف کشور و نیز ایجاد خطوط ارتباطی، دشوار است.



۳ - بنیادهای زیستی کشور

- ❖ عواملی چون آب، خاک، آب و هوا و پوشش گیاهی بنیادهای زیستی کشور محسوب می شوند.
- ❖ آب یکی از مشکلات اصلی و از عوامل رقابت و کشمکش کشورها در آینده جهان است؛ زیرا به دلیل افزایش جمعیت و تغییر الگوهای زندگی، پیوسته مصرف آن افزایش می یابد.
- ❖ کشورهایی که دچار کمبود آب هستند یا با پدیده فرسایش و آلودگی خاک مواجه اند:

۱) توانمندی هایشان ضعیف می شود.

۲- امکان تولید مواد اولیه و محصولات کشاورزی و تغذیه جمعیت در آنها کاهش می یابد.

۳- وابستگی شان به واردات زیاد می شود.

- ❖ آب و هوا نیز نقش مهمی در کشاورزی و تولید غذا و سایر فعالیت های اقتصادی دارد؛ بنابراین

۱- کشورهایی که در منطقه معتدل واقع شده اند، امکان بیشتری برای تبدیل به قدرتهای سیاسی منطقه ای یا جهانی دارند.

۲- در سرزمین های بسیار سرد و یخبندان یا بیابان های گرم و سوزان، معمولاً یک قدرت سیاسی بزرگ شکل نمی گیرد. - ۴

منابع انرژی و معدنی کشور

- ❖ منابع انرژی (مانند نفت و گاز) و کانیهای معدنی (فلزاتی مانند مس، روی و آهن) در صنعت و امور نظامی کاربرد دارند. منابع انرژی و معدنی به تنهایی منشأ قدرت نیستند؛ بنابراین

۱- اگر این منابع در جهت توسعه صنایع قرار بگیرند، در افزایش قدرت یک کشور مؤثر واقع می شوند (مانند چین و برزیل).

۲- اگر اقتصاد یک کشور وابسته به صادرات آنها باشد، یک ویژگی منفی و عامل کاهش قدرت ملی تلقی می شوند.

۵ - جمعیت کشور

داشتن جمعیت زیاد از عوامل قدرت ملی است؛ زیرا:

- ❖ ۱- منبع کار و تولید ثروت است.
- ❖ ۲- در تقویت نیروی نظامی و دفاعی مؤثر است.
- ❖ ۳- سرچشمه روحیه ملی محسوب می شود.
- ❖ داشتن جمعیت زیاد پیش شرط قدرت است؛ اما کیفیت و ترکیب جمعیت نیز اهمیت دارد.
- ❖ مثال داشتن جمعیت فعال و جوان، باسواد و دارای مهارت که فرصت های اشتغال و پیشرفت برای آنها در کشور فراهم شده باشد، از عوامل قدرت ملی محسوب میشود.
- ❖ همگونی جمعیت از نظر قومی، زبانی و دینی در افزایش قدرت ملی مؤثر است و هر چه این همگونی بیشتر باشد، قدرت ملی بیشتر خواهد بود.

منطقه (ناحیه) ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح زمین یا تعدادی کشور همجوار که به دلیل داشتن ارزش های جغرافیایی، بازیگران سیاسی برای کنترل یا تصرف آنها با یکدیگر وارد تعامل (کنش و واکنش می شوند. این تعامل ممکن است مذاکره، همکاری و همبستگی یا رقابت و کشمکش و حتی جنگ باشد

- ❖ . منطقه ژئوپلیتیکی، منطقه ای است که در آن، سه عامل **جغرافیا، سیاست و قدرت** بر یکدیگر تأثیر می گذارند و توجه حکومت ها و به ویژه قدرت های جهانی را به خود جلب می کنند.
- ❖ از مناطق ژئوپلیتیکی جهان امروز می توان به مناطق ژئوپلیتیکی زیر اشاره کرد:
خلیج فارس - اتحادیه اروپا - دریای خزر - قفقاز

موفق باشید